

پاندمی کرونا و تشدید شکاف دولت-ملت در ایالات متحده با تأکید بر

سیاست‌های دونالد ترامپ

عبدالرضا عالیشاهی،* یونس فروزان،** حسین مسعودنیا***

کد ارکید: 0000-0002-4122-3118

کد ارکید: 0000-0002-4879-4108

کد ارکید: 0000-0003-2928-2251

چکیده

با فراگیری پاندمی کرونا در سال 2020 میلادی، تمامی تلاش‌ها به سمت و سوی یک ائتلاف قدرتمند برای حل و فصل و در نهایت درمان این ویروس خطرناک آغاز شد. در این میان، دونالد ترامپ به جای حمایت از سازمان جهانی بهداشت و اتخاذ سیاست‌های حمایتی از طیف‌ها و جریان‌های مختلف داخلی، با اتهام پراکنی وسیع، علیه چین، قطع حمایت‌های مالی از سازمان بهداشت جهانی و سپس وارد کردن اتهام به دولت باراک اوباما، نتوانست رویکردهای لازم را برای مهار یا عدم فراگیری این ویروس در آمریکا به نتیجه برساند. به همین سبب کمتر از سه ماه پس از شیوع کرونا، آمریکا در صدر بیشترین مبتلایان و قربانیان این بحران قرار گرفت. لذا در این مقاله مساعی نویسندگان حول ارائه پاسخی متقن به این سؤال است که چگونه پاندمی کرونا به تعمیق شکاف‌های میان دولت-ملت در ایالات متحده منتهی گردید؟ فرضیه نویسندگان مبتنی بر این اصل است که هژمونی‌خواهی افراطی ترامپ و سیاست‌های اتخاذ شده وی بستر ساز تعمیق این گسست‌ها گردیده است. یافته‌های مقاله که با بهره‌گیری از منابع مکتوب و مجازی، روش جامعه‌شناسی تاریخی و استفاده از تئوری شکاف‌ها اجتماعی بوده، نشان دهنده تعمیق شکاف‌های ترامپ با دولت پیشین ایالات متحده؛ یعنی باراک اوباما، تعمیق گسست‌ها با دموکرات‌های مجلس آمریکا، تشدید چالش‌های ترامپ با فرمانداران ایالت‌های مهم آمریکا و تشدید تنش‌ها با طیف‌های کارگر می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: بحران کرونا، محرومیت‌های اجتماعی، سیاست‌های پراگماتیستی، دولت-ملت، شکاف‌های اجتماعی.

* . دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، (نویسنده مسئول)

Abdolrezaalishahi@atu.ac.ir

** . دکتری علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی، Younes.Forouzan@yahoo.com

*** . دانشیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان H.Masoudnia@ase.ui.ac.ir

مقاله علمی پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۷

مسائل اجتماعی ایران، سال دوازدهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۱۱۷-۱۴۲

۱. مقدمه و بیان مسئله

اصولاً با فراگیر شدن یک بحران در نظام بین‌الملل، به خصوص زمانی که آن بحران به یک پاندمی تبدیل می‌شود، سیاست کشورهای جهان به سمت و سوی تعامل، ائتلاف و همگرایی هرچه بیشتر برای حل و فصل آن بحران سوق می‌یابد. این مسئله به ویژه، زمانی که بحث حیات بشریت را با تهدیدات بالقوه خود مواجه کند؛ با شدت بیشتری تداوم خواهد یافت. البته در این میان کشورهایی نیز وجود دارند که با اتکاء به رفتارهای بین‌المللی رهبران خود تا حد امکان نشان داده‌اند که نیازی به همگرایی، ائتلاف و تعامل با جهان ندارند؛ اما زمانی که با تعمیق چالش‌ها، بحران‌ها و تشدید تنش‌های داخلی مواجه گردند، یقیناً شرایط را دگرگون و جامعه خود را نیازمند تعامل و همگرایی می‌بینند. یکی از بحران‌های مهمی که جامعه بین‌المللی را در ابتدای سال ۲۰۲۰ میلادی با بحرانی اساسی مواجه نمود، پاندمی کووید-۱۹ با عنوان کرونا ویروس بوده است. ایالات متحده که در ابتدای فراگیری این ویروس یکی از مصونترین کشورهای جهان به شمار می‌رفت، کمتر از سه ماه، در صدر بیشترین مبتلایان به این ویروس و در ادامه، بیشترین قربانیان آن قرار گرفت. مسئله اصلی در این میان سیاست‌های اتخاذ شده و مدیریت رهبران کاخ سفید، به ویژه، دونالد ترامپ در قبال پاندمی کرونا در کشور آمریکا است. ترامپ در ابتدای فراگیری این ویروس، به نوعی با اطمینان از عدم فراگیر شدن وسیع آن در سطح کشور آمریکا خبر داده بود و با اعلام این مسئله که قدرت پزشکی ایالات متحده و سیاست‌های حمایتی دولت وی همگی سطوح بالایی از امنیت را برای مردم آمریکا فراهم خواهد آورد، علناً اقدام خاصی را در این راستا انجام نداد؛ اما تعداد قربانیان این ویروس در آمریکا (که به زودی به میزان دوبرابر جنگ ویتنام خواهد رسید)، اوج فاجعه و سوء مدیریت‌ها را در ایالات متحده نشان می‌دهد تا جایی که ترامپ علناً اعلام نمود بحران کووید-۱۹ در ایالات متحده از حوادث پرل هاربر و ۱۱ سپتامبر نیز فاجعه آمیزتر است.

اهمیت این مسئله تا آنجایی است که ائتلاف و همکاری کشورها، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی برای حل و فصل کرونا بیش از پیش الزامی به نظر می‌رسد، اما ترامپ در میانه این بحران و با اتخاذ چند سیاست، عملاً به واگرایی و تا حدودی تشدید تنش‌ها در عرصه بین‌الملل اقدام نمود. نخستین اقدام ترامپ در این راستا، کم اهمیت جلوه دادن خطر کرونا بود. وی با غروری مضاعف در رسانه‌های ایالات متحده، خطر کرونا را ناچیز و ایالات متحده را در زمینه‌های پزشکی و درمان بسیار قدرتمندتر از آن تصور می‌کرد که بخواهد با چنین پاندمی دچار بحران گردد. وی در ادامه و با تشدید فراگیری این ویروس، در اقدامی جنجالی، جمهوری خلق چین را مسبب شیوع این ویروس در جهان معرفی کرد و از کرونا ویروس با عناوینی همچون ویروس

چینی یا ویروس ووهان یاد نمود که این مسئله به ایجاد تنش‌هایی میان دو کشور تبدیل شد. زمانی که کرونا به یک بحران اپیدمی در ایالات متحده، تبدیل گردید، ترامپ در یک اقدام جنجالی دیگر، سازمان جهانی بهداشت را متهم به همکاری با چین، علیه ایالات متحده نمود و کمک‌های اقتصادی آمریکا را به این سازمان لغو کرد.

در سطح داخل نیز چالش‌های ترامپ با طیف‌های سیاسی، اقتصادی و حتی مذهبی ایالات متحده به دنبال سوء مدیریت در بحران کرونا، تعمیق و تشدید یافت. این مسئله، بیشتر حول مواردی؛ همچون لغو بیمه‌های پزشکی که بیشتر ترامپ فرمان آن را صادر کرده بود، کاهش شدید بودجه‌های بهداشتی و درمانی فدرال، کاهش قابل توجه تعداد پرسنل درمانی در سطوح ایالت‌های مختلف، افزایش چشمگیر تعداد افراد خواهان بیمهٔ بیکاری و افزایش حیرت‌انگیز (هفت میلیون نفری) افرادی که بیمهٔ سلامت خود را در آمریکا از دست داده بودند. در کنار این مسائل، ضررهای هنگفت اقتصادی شرکت‌ها و کارتل‌های اقتصادی آمریکا، کاهش شدید تولید ناخالص ملی این کشور و ورشکستگی اقتصادی ده‌ها بنگاه اقتصادی را هم می‌توان در این رابطه ذکر نمود. اوج تأثیرات سوء بحران کرونا بر آمریکا را می‌توان تعمیق چالش‌های امنیتی ترامپ با فرمانداران برخی از ایالت‌های آمریکا دانست.

صرف نظر از اینکه پاندمی کرونا را ساخته و پرداخته آزمایشگاه‌های چین، علیه بشریت بدانیم یا خیر، بایستی به تحلیلی منصفانه و به دور از هرگونه داورهای ارزشی در رابطه با این مسئله پردازیم که چگونه ویروس کرونا دستاوردهای دونالد ترامپ در جامعهٔ ایالات متحده را به شدت زیر سؤال برده و هم اکنون به تعمیق شکاف‌های اجتماعی میان وی و جامعهٔ آمریکا منتهی شده است. فرضیهٔ نویسندگان با اتکا به مسئلهٔ شکاف‌های اجتماعی و سوء مدیریت ترامپ با تأکید بر سیاست «اول آمریکا» نشان دهندهٔ این مسئله است که ترامپ به سبب عدم کنترل پاندمی کرونا و ویروس در این کشور، ابتدا در عرصهٔ بین‌المللی به قدرت‌ها و سازمان‌هایی همچون چین و سازمان بهداشت جهانی، حمله‌ور شد، سپس در عرصهٔ داخلی با اتهام به دموکرات‌ها، دولت پیشین آمریکا؛ یعنی باراک اوباما و سایر طیف‌های سیاسی رقیب و مخالف سعی در توجیه این ناکامی داشته است. روش تحقیق در این مقاله، روش جامعه‌شناسی تاریخی است که اصولاً در این روش، شناخت شناسی، ابزارها و بازخوردهای یک پدیده مورد بررسی قرار می‌گیرد (فروزان و عالیشاهی، ۱۳۹۹: ۱۴۲) به عنوان مثال، در راستای شناخت شناسی پاندمی کرونا در ایالات متحده با استفاده از این نوع روش تحقیق، رویکردها و ابزارهایی که منتهی به فراگیری این بحران در ایالات متحده و سپس تعمیق شکاف‌های سیاسی میان ترامپ و طیف‌های سیاسی مخالف منتهی گردید و نیز بازخوردها و پیامدهای این ویروس مورد تبیین و بررسی علمی واقع می‌گردند. لذا نویسندگان جهت پویایی ذهن خوانندگان و آشنایی هرچه

بیشتر با سیاست‌های ترامپ در قبال کرونا و ویروس در ایالات متحده، پیامدها و بازخوردهای این سیاست و نیز کارآمدی یا ناکارآمدی رویکردهای ترامپ از ابتدای شیوع این ویروس تا همه‌گیری آن در آمریکا، از این روش استفاده نموده‌اند. با توجه به نوآوری موضوع مقاله، بالطبع نمی‌توان مقاله یا کتابی را که در این رابطه به رشته تحریر درآمده است، برشمرده لکن برخی از موضوعات مرتبط با چالش‌سازی ترامپ در ایالات متحده و شکاف‌های صورت‌گرفته را به اجمال تبیین خواهیم نمود:

۱. استیون روزفیلد و دنیل کوئین میلز در جای جای کتابی با عنوان "پدیده ترامپ و آینده سیاست خارجی ما (۲۰۱۶)"، ترامپ را حامی و طرفدار طبقه اشراف در ایالات متحده قلمداد کرده‌اند. به تعبیر نویسندگان، افول فاحش طبقه متوسط در آمریکا، طبقه کارگر و طیف‌های دیگر بازخورد چنین سیاست‌هایی بوده است. نویسندگان در ادامه با گریز به سیاست خارجی ترامپ، وی را فاقد صداقت در این عرصه معرفی کرده‌اند. مفهوم جذابی که نویسندگان در بخش‌های پایانی این کتاب بدان پرداخته‌اند، «ناسیونالیسم دموکراتیک» بوده است. این مفهوم تداعی‌کننده این است که ایالات متحده، بایستی به اولویت‌ها و نیازهای مهم درونی خود بپردازد تا آنکه مساعی خود را به سمت و سوی جهان و مسائل آن سوق دهد. نویسندگان در ادامه با اشاره به وعده‌های ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری که مبتنی بر همین اصل بود را مطرح کردند؛ اما در نهایت با برشماری مجموعه‌ای از دلایل اعلام داشتند که ترامپ تابع سیاست‌های اسلاف خود در حزب جمهوری خواهان خواهد بود و آشکارا برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های داخلی آمریکا خیلی توانمند نخواهد بود.

۲. جک تامپسون در مقاله‌ای با عنوان "ترامپ و آینده استراتژی بزرگ ایالات متحده (۲۰۱۷)" این سؤال اساسی را مطرح می‌کند که با ورود ترامپ به کاخ سفید، آیا واشنگتن همچنان به دنبال بین‌الملل‌گرایی و تحقق هژمونیک مورد نظر نومحافظه کاران خواهد بود؟ نویسندگان معتقدند ترامپ از همان ابتدای کارزار انتخاباتی تمامی هم و غم خود را معطوف به تحقق نظم نوین جهانی مطلوب ایالات متحده نمود. به همین سبب به تعمیق چالش با روسیه، جمهوری خلق چین، کره شمالی، جمهوری اسلامی ایران و حتی اتحادیه اروپا و ناتو مبادرت نمود. چنین سیاست‌هایی بستر ساز عدم توجهات لازم ترامپ به مقوله طبقه‌های سیاسی فعال و نیمه فعال در آمریکا گردید، به نحوی که امروز بسیاری از جمهوری خواهان نیز به سیاست‌های ترامپ اعتراض نموده‌اند. گسترش فقر و بیکاری نیز در این رابطه پیامدهای مهم درونی در نظام ایالات متحده بوده است.

۳. سالوادور سانتینو ریگم در مقاله‌ای با عنوان "افول قدرت آمریکا و دونالد ترامپ: تأملاتی در مورد حقوق بشر، نئولیبرالیسم و نظم جهانی (۲۰۱۹)" ابتدا ظهور ترامپ در نظام سیاسی

ایالات متحده را با افول قدرت جهانی این کشور مرتبط می‌کند، سپس با رهیافتی انتقادی به سیاست‌های نادرست ترامپ در توزیع ثروت در آمریکا اشاره نموده و اذعان می‌کند رویکردهای ترامپ در عمل منتهی به تشدید نابرابری‌ها در ایالات متحده شده است. نویسنده در ادامه، هیجانات کاذب، دروغ، فریب و خودخواهی را مهمترین عوامل خطرناک موجود در سیاست‌های پراگماتیستی ترامپ قلمداد کرده است. ادعای نویسنده آنجایی جالب است که وی مدعی است تعمیق شکاف‌ها به سبب سیاست‌های نادرست ترامپ، ایالات متحده را از درون دچار ضعف خواهد کرد و این ضعف، به افول هر چه بیشتر جهانی جایگاه ایالات متحده منجر خواهد شد.

۴. مایکل ولف در کتابی با عنوان "آتش و خشم: درون کاخ سفید ترامپ (۲۰۱۸)" به تبیین سیاست‌های ترامپ در کاخ سفید می‌پردازد. این کتاب که جنجال‌های بسیاری را در ایالات متحده برانگیخته و حتی شکایت ترامپ را از نویسنده به همراه داشته است، در جای جای کتاب خود تأکید بر شخصیت ترامپ، افرادی که در کاخ سفید فعالیت می‌کنند و نیز دستاوردهای آنان می‌کند. نکتهٔ حائز اهمیت کتاب مذکور بعد انتقادی و افشاگرانهٔ آن می‌باشد که ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ و سیاست‌های او را در ایالات متحده آمریکا به تصویر می‌کشد و برخی از بحران‌ها و چالش‌های ایجاد شده برای مردم و نظام آمریکا از سوی ترامپ را بر می‌شمارد.

نوآوری مقالهٔ کنونی را می‌توان در ابعاد و زوایای ذیل برشمرد:

-نخست؛ تجزیه و تحلیل وضعیت ایالات متحده در بحران کرونا؛

-دوم؛ تجزیه و تحلیل سیاست‌ها و دستاوردهای دولت ترامپ در مقابله با کرونا؛

-سوم؛ چگونگی تعمیق شکاف‌های اجتماعی میان دولت و ملت در ایالات متحده با تأکید بر

سیاست‌های و مدیریت ترامپ بر کرونا و ویروس.

۲. مبانی نظری

۲-۱. مفهوم شناسی شکاف اجتماعی

مقولهٔ شکاف اجتماعی یکی از اساسی‌ترین موضوعات جامعه‌شناسی سیاسی تلقی می‌گردد که جایگاه ویژه‌ای در تحلیل و بررسی ساختارهای یک نظام اجتماعی دارد. در اهمیت مفهوم شکاف‌های اجتماعی همین نکته کفایت می‌کند که برخی از صاحب‌نظران، شناخت، تبیین و تحلیل مفهوم شکاف‌های اجتماعی را وظیفهٔ نخست جامعه‌شناسان می‌دانند. نکتهٔ مهم در این میان این است که شکاف اجتماعی عملاً موجب تفکیک و تقسیم گروه‌های فعال در جامعه می‌گردد. واقعیت نیز حکایت از این مسئلهٔ مهم دارد که حیات سیاسی در هر نظامی به انحاء مختلف، تحت تأثیر شکاف‌های اجتماعی آن و نحوهٔ صورت‌بندی آن شکاف‌ها قرار می‌گیرد. به دیگر سخن، شکاف‌های اجتماعی در هر جامعه‌ای مختص آن جامعه می‌باشد. مفهوم شکاف‌های

اجتماعی به نوعی تداعی کننده تضاد و تفاوت اجتماعی نیز می‌باشد؛ زیرا مبنای اصلی شکاف‌های اجتماعی تأکید بر نقاط افتراق و تفاوت‌های موجود در میان گروه‌های اجتماعی می‌باشد. تفاوت‌هایی که در زمینه‌های مهمی همچون ارزش‌ها، نگرش‌های سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیکی می‌باشد. به همین صورت، تعامل اجتماعی به صورت چشمگیری تحت تأثیر شکاف‌ها قرار دارند (عالیشاهی، فروزان و مسعودنیا، ۱۳۹۸: ۱۹۸-۱۹۹). مفهوم شکاف‌های اجتماعی را می‌توان دارای انواع ذیل برشمرد:

-شکاف‌های فعال و غیرفعال: شکاف‌های غیرفعال، شکاف‌هایی هستند که به رغم موجودیت، تأثیر چندانی بر روند زندگی سیاسی و اجتماعی نمی‌گذارند (فروزان عالیشاهی و محمد دوست، ۱۳۹۶: ۹). به عنوان مثال، شکاف‌های موجود در میان احزاب نه چندان مهم ایالات متحده همچون حزب لیبرترین و حزب سبز از این دسته شکاف‌ها تلقی می‌شوند؛ اما شکاف‌های فعال، شکاف‌هایی هستند که همواره حیات سیاسی گروه‌های مختلف را با چالش‌های مهمی مواجه می‌کنند. در این رابطه می‌توان چالش‌های میان جمهوری خواهان و دموکرات‌ها را مثال زد.

-در تقسیمی دیگر، شکاف‌ها را می‌توان به دو نوع شکاف ساختاری و شکاف تاریخی (تصادفی) تفکیک نمود. شکاف‌های ساختاری به نوعی از شکاف‌های اجتماعی تلقی می‌گردد که نظام‌های سیاسی، به فراخور برخی از نیازهای پایدار خویش دچار چنین شکاف‌هایی می‌گردند. به عنوان مثال، تقسیم کار همواره نوعی از شکاف‌های اجتماعی را ایجاد می‌کند که مربوط به ساختار یک جامعه است و امر تصادفی به حساب نمی‌آید؛ اما شکاف‌های تاریخی حاصل فرآیندهای تاریخی یک کشور محسوب می‌شود و تحولات و تصادف‌های تاریخی در فرآیند شکل‌گیری آنها نقش دارند، مانند شکاف‌های قومی، مذهبی یا شکاف‌های زبانی (مسعودنیا و عالیشاهی، ۱۳۹۷: ۱۸۲).

-شکاف‌های اجتماعی به لحاظ نحوه ترکیب و صورت‌بندی در جامعه، به دو نوع شکاف‌های متراکم و شکاف‌های متقاطع تقسیم می‌شوند. در برخی مواقع شکاف‌ها یکدیگر را تقویت می‌کنند و اثر هم‌افزایی بر یکدیگر دارند که به آنها شکاف‌های متراکم می‌گویند (ساعی و مهدوی، ۱۳۹۳) به عنوان مثال، همواره میان این حزب جمهوری خواهان و دموکرات‌ها نوعی شکاف ملموس گردیده است. لکن اگر در این میان، بحث دیگری همچون تقویت یا تضعیف رابطه با چین به عنوان مثال پیش آید که مورد اختلاف بیشتر این دو گروه واقع شود، شکاف قبلی را تشدید می‌کند، شکاف متراکم شکل می‌گیرد و سطح تضادها و تعارض‌ها افزایش می‌یابد. برخی مواقع نیز شکاف‌ها آثار تضعیف‌کنندگی در ارتباط با یکدیگر دارند که به آنها شکاف‌های متقاطع می‌گویند. (سردار نیا و حسینی، ۱۳۹۳)

واقعیت‌های جامعه آمریکا مؤید این مطلب است که آثار شکاف‌های اجتماعی در ایالات متحده در پنجاه سال اخیر سال‌های ۱۹۴۸-۱۹۹۸ بیشتر از ۱۳۷ سال پیش قابل مشاهده است، نیز این آثار از ابتدای قرن ۲۱ بیشتر از پنجاه سال پیش بوده است (شفیعی، ۱۳۸۸: ۲۱). این مسئله در عصر کنونی با ورود دونالد جی ترامپ، رئیس‌جمهور نومحافظه کار ایالات متحده در عمل تشدید گردید؛ چرا که وی سیاست‌های خود را بیشتر معطوف به عرصهٔ روابط بین‌الملل نمود و به رغم وعده‌هایی مبتنی بر تحقق آمریکای بزرگ در عمل بسیاری از شکاف‌ها در این کشور شدت یافت. نکتهٔ مهم در این میان، سیاست‌های پراگماتیستی و شخصیتی ترامپ است که در تشدید شکاف‌ها بی‌تأثیر نبوده است. کما اینکه بادیو نویسندهٔ آمریکایی در کتاب «ترامپ» معتقد است که رفتارهای او، بیش از آنکه برخاسته از یک شخصیت سیاستمدار باشد، نوعی جهت‌گیری خاص است و رفتارهای او تماماً نعمدانه بوده و شخصیتی کاملاً فاشیستی را تداعی می‌کند و در ابداعی جالب دولت وی را فاشیسم دموکراتیک می‌خواند و در راستای اثبات مدعای خود، ترامپ را شخصیتی مردسالار، خشونت طلب، هژمون طلب، نژاد پرست و خودخواه می‌داند و این خصائص، دقیقاً در انطباق با یک فرد فاشیستی است. (بادیو، ۱۳۹۸: ۲۴)

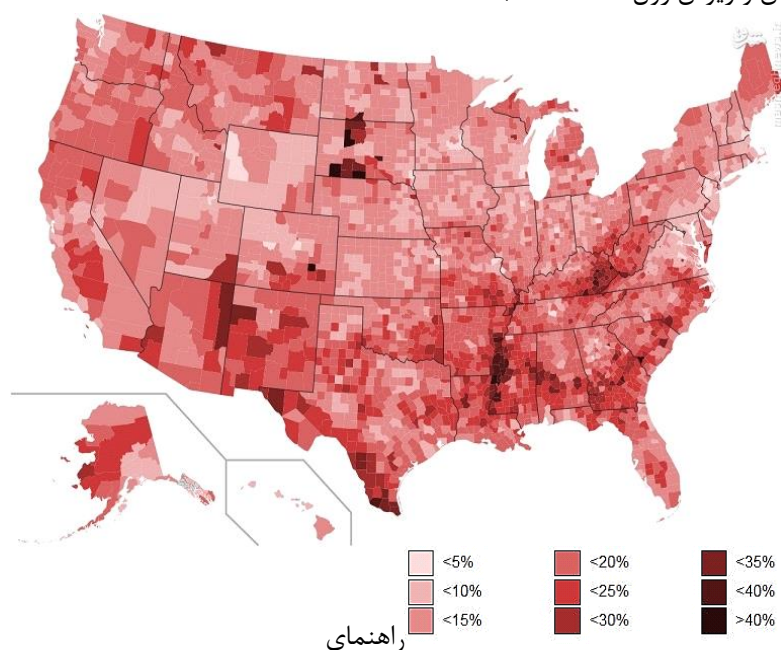
۳. روش‌شناسی

روش تحقیق در این مقاله، روش جامعه‌شناسی تاریخی نام دارد. اصولاً در روش جامعه‌شناسی تاریخی شناخت‌شناسی، ابزارها و بازخوردهای یک پدیده مورد بررسی واقع می‌گردند (فروزان و عالیشاهی، ۱۳۹۸: ۱۴۲)، به عنوان مثال، در راستای شناخت‌شناسی پاندمی کرونا در ایالات متحده با استفاده از این نوع روش تحقیق، رویکردها و ابزارهایی که منتهی به فراگیری این بحران در ایالات متحده و سپس تعمیق شکاف‌های سیاسی میان ترامپ و طیف‌های سیاسی مخالف منتهی گردید و نیز بازخوردها و پیامدهای این ویروس مورد تبیین و بررسی علمی واقع می‌گردند.

۲-۳. مختصری از وضعیت شکاف‌های اجتماعی در ایالات متحده

مسئلهٔ شکاف‌های اجتماعی در نظام‌های سیاسی غرب را می‌توان از دههٔ ۱۹۶۰ به بعد مورد مذاقه قرار داد. در ایالات متحده نیز این مسئله در زمان ریگان-رئیس‌جمهور وقت آمریکا -و در دههٔ ۱۹۷۰ مورد توجه قرار گرفت. جایی که منافع طبقهٔ متوسط و کارگر، آشکارا، در برابر منافع طبقه ثروتمندان تا حد بسیار زیادی مورد اجحاف واقع می‌شد (اندرسون و کولینز: ۱۳۹۴: ۴۹). در آن بازه زمانی، نظارت دولت ایالات متحده بر سرمایه‌داران به شکل چشمگیری کاهش یافت؛ چرا که پیشتر سرمایه‌داران صنایع بزرگ و تجار مرفه آمریکایی، حامیان اصلی انتخابات ریگان به

شمار می‌رفتند و این تعامل دوسویه به نحوی، آغاز پررنگتر شدن شکاف‌های اجتماعی در آن برهه بود (ودکه، ۱۳۹۷: ۹) از طرفی، در سال‌های اخیر، تعمیق بحران‌های اقتصادی در ایالات متحده که از بازار مسکن آغاز گردید و امواج آن به حوزه‌های دیگر همچون بیمه و اشتغال و ... رسید، بسترساز افول شدید طبقه متوسط در این کشور گردید به طوری که عدم توانایی مالی طبقه متوسط به بازپرداخت وام‌های بانکی این کشور، باعث ثبت و ضبط بخش‌های مهمی از دارایی‌های این طبقه گردید. بانک‌هایی که تحت اختیار طبقه اشراف این کشور قرار دارد (آتاناسیو و پیستافری، ۱۳۹۷: ۱۴) به طور کلی دو بازخورد کلان شکاف‌های اجتماعی در تاریخ ایالات متحده، به ویژه پس از پایان جنگ جهانی دوم به بعد را می‌توان در افول شدید سرمایه اجتماعی در این کشور (شکل‌گیری این اندیشه که دولت، در اختیار طیف محدودی قرار دارد) و نیز تضعیف فرآیند دولت-ملت مؤثر دانست. به طوری که برخی از ایالت‌های فقیر، بعضاً گروه‌هایی سیاسی تأسیس نموده‌اند تا استقلال خود را در صورت تشدید شکاف‌ها و تبعیض‌ها اعلام نمایند (کوهن و ریوس رول، ۱۳۹۷: ۴۹)



شکل (۱) نقشه فقر در شهرها و ایالت‌های مختلف آمریکا

منبع: Chaudry, Wimer and Macartney, 2016

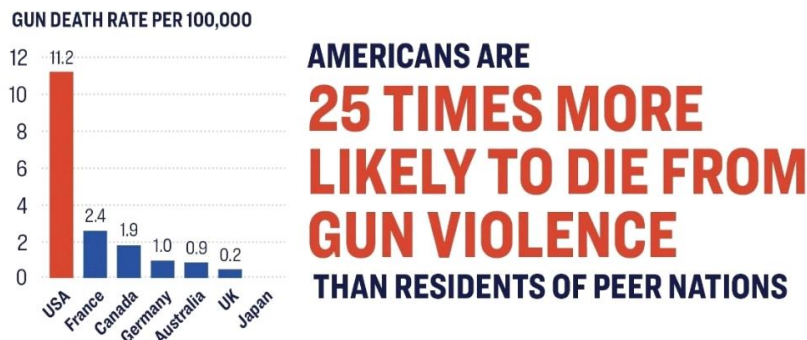
با ورود دونالد ترامپ به کاخ سفید، بسیاری از شکاف‌های موجود در جامعه ایالات متحده تشدید یافت. این شکاف‌ها عمدتاً از نوع شکاف‌های هویتی، ساختاری و متراکم می‌باشد که در

ذیل سیاست‌های ترامپ پس از انتخاب در مقام ریاست جمهوری که علناً به تعمیق شکاف‌ها در جامعهٔ آمریکا منتهی گردید (پیشاکرونا) اشاره خواهیم نمود و سپس به مسئلهٔ شکاف‌های اجتماعی در زمان شیوع بحران کرونا در آمریکا خواهیم پرداخت.

۲-۳-۱. ترامپ و تعمیق شکاف‌های هویتی: فرانسیس فوکویاما در سخنرانی خود در لندن از سیاست‌های تبعیض نژادی دونالد ترامپ به مثابه خطری بزرگ برای آمریکا عنوان نمود. وی در کتاب جدید خود با عنوان «تقاضای کرامت و سیاست تنفر» ابراز داشت که آنچه سیاست‌های ترامپ را زهرآلود کرده است، قرار دادن یک هویت در تقابل و نزاع با هویتی دیگر است. فوکویاما شکاف هویتی در آمریکای عصر ترامپ را اینگونه تبیین می‌کند: «در ایالات متحده، هم جریان راست و هم جریان چپ، درگیر مسئلهٔ هویت هستند. جریان چپ بر حقوق اقلیت‌های مذهبی، قومیتی و جنسیتی تأکید دارد اما جریان راست آمریکا حامی شدید ناسیونالیسم قومی است و همین مسئله خشم و نابرابری و شکاف‌های هویتی را در آمریکا تشدید کرده است.» وی با انتقاد از سیاست‌های تک هویتی ترامپ معتقد است که اگر ایالات متحده خواهان ادامهٔ استقرار لیبرال دموکراسی هست، بایستی در برابر هویت ناسیونالیسم مورد تأکید ترامپ، هویت ملی فراگیر را هم تعمیم دهد (فوکویاما، ۱۳۹۷: ۵۳-۵۵) این در حالی است که ترامپ چه در مبارزات انتخاباتی و چه پس از راهیابی به کاخ سفید، سیاست تک فرهنگی یا ناسیونالیسم هویتی را به شدت مورد مذاقه قرار داد. وی در این رابطه، مهاجران غیر قانونی را اخراج و مانع ورود مسلمانان به خاک آمریکا شد. این اقدامات ترامپ، مورد توجه و علاقه ناسیونالیست‌های رادیکال آمریکایی قرار گرفت اما طیف وسیعی از نگرانی‌ها را در میان هواداران چند هویتی برانگیخت. افرادی که معتقدند قدرت و توسعهٔ اقتصادی و علمی ایالات متحده، مرهون مهاجرت نخبگان از سراسر جهان به این کشور است (گرین، ۱۳۹۸: ۸۹).

در کنار نابرابری‌ها در مسئلهٔ مهاجرت، مسئلهٔ شکاف میان سیاهان و سفیدپوستان ایالات متحده به شکاف هویتی عمیقی منتهی گردیده است. آمریکایی‌های آفریقایی تبار بیش از یک قرن است که با فراهم شدن هر فرصت سیاسی در آمریکا، دست به اعتراض زده و در تلاش برای دستیابی به حقوق برابر با سفیدپوستان برآمده‌اند. این مبارزات به‌ویژه از دههٔ ۱۹۶۰ فراز و نشیب زیادی را در روابط جامعهٔ سیاه‌پوستان با حاکمیت این کشور در پی داشته است. نمونهٔ این مسئله کشته شدن مایکل براون سیاه‌پوست ۱۸ ساله به دست پلیس آمریکا در شهر فرگوسن در سال ۲۰۱۴ بود که واکنش گسترده و خشم عمومی سیاهان آمریکا را علیه سیاست‌های تبعیض نژادی حاکمیت این کشور برانگیخت (سمیعی اصفهانی، کیانی و محمدی، ۱۳۹۶: ۱۲۹). فقر فزایندهٔ سیاهان آمریکایی عامل اصلی این مسئله است. در دولت ترامپ، نرخ بیکاری

سیاهان آمریکایی (جوانان سیاه پوست ۱۹ الی ۲۶ ساله) سه برابر میانگین مشابه سفید پوستان است. جالب آنکه میزان بیکاری سیاه پوستان تحصیل کرده با تحصیلات عالی نیز بیش از ۲٫۵ برابر سفیدپوستان با تحصیلات بالا است (دیویس، وثرل و هانری، ۱۳۹۸) سیاهان بارها در ایالات متحده در قبال چنین تبعیض‌هایی اعتراضات وسیعی انجام داده‌اند و همواره قربانی خشونت و قتل شده‌اند بازخورد مهم این سیاست تبعیضی، استفاده از خشونت علیه سیاهان است. این در حالی است که بر اساس یک تحقیق صورت گرفته در سال ۲۰۱۸ از سوی «تحقیقات بین المللی» «Global» در ایالات متحده احتمال حمله مسلحانه به یک سیاه پوست آمریکایی بیش از ۲۰ برابر یک فرد سفیدپوست است. به همین دلیل آدام وینکلر، استاد حقوق آمریکایی معتقد است عمده مشکلات، آزار و اذیت نظامی و شکاف بزرگ هویتی سیاه پوستان آمریکایی ناشی از این مسئله است که ایالات متحده در حال حاضر یک جمعیت غیرنظامی به شدت مسلحی را در اختیار دارد (کرامر، ۱۳۹۷: ۶۴۴-۶۴۶). واشنگتن پست نیز در گزارشی اعلام کرد که ایالات متحده دارای بیشترین افراد استفاده کننده از سلاح گرم در جهان است که عمدتاً افراد مهاجم و سیاه پوستان را مورد اصابت قرار می‌دهند (سولومون، مکسول و کاسترو، ۱۳۹۸: ۴۱).



شکل (۱) نمودار تفاوت استفاده از سلاح گرم در آمریکا نسبت به برخی دیگر از کشورها
منبع: World News, 2019

۲-۳-۲. ترامپ و تعمیق شکاف‌های ساختاری در ایالات متحده با تقسیم جامعه به دو بخش نخبه و عوام: ترامپ، تا پیش از شیوع ویروس کرونا و بحران‌های متعاقب آن، بخش مهمی از جامعه ایالات متحده را به دو گروه نخبه و عوام تفکیک نموده بود. در بخش نخبگان، سفید پوستان،

صاحبان سرمایه‌های کلان، بانکداران و طیف‌هایی بودند که به لحاظ اقتصادی در سطح بالایی از رفاه قرار داشتند و طیف عوام، عمده افرادی را شامل می‌شد که علناً در سیاست‌های ترامپ در حاشیه قرار داشتند. (کمپیل، ۱۳۹۷: ۷۱) در واقع، در ایالات متحده، سنت نخبه‌گرایی به ویژه در میان محافظه‌کاران و جمهوری خواهان بسیار قدرتمند است و نخبگان، خصوصاً صاحبان ثروت (نخبگان مالی) بر این کشور نفوذ بسیار زیادی دارند. در حال حاضر سیاست‌های ترامپ، نظام سیاسی ایالات متحده را به سمت و سوی یک نظام اولیگارشیکی مالی و اقتصادی سوق داده است؛ به این صورت که ابرثروتمندان که درصد آنان کمتر از ۱ درصد جمعیت ایالات متحده را تشکیل می‌دهد، این کشور را با تأکید بر ابزار تولید و رسانه‌ها و هدایت افکار عمومی اداره می‌کنند (پارک و بوشی، ۱۳۹۹: ۴-۵).

۳-۳-۳. ترامپ و تعمیق شکاف‌های سیاسی: با ورود ترامپ به کاخ سفید و پیش از پاندمی کرونا ویروس در ایالات متحده، شکاف‌های سیاسی در این کشور تعمیق یافت. گرایشات گریز از مرکز، مزمنه‌های استقلال کالیفرنیا، اعتراضات به سیاست‌های ترامپ در قبال اتحادیه اروپا، چین، روسیه و کره شمالی و خاورمیانه، طرح استیضاح ترامپ و موارد دیگر را می‌توان در این رابطه ذکر نمود. قطبی شدن فضای سیاسی در ایالات متحده بر اساس سیاست‌ها و رویکردهای ترامپ علاوه بر طرح جدایی برخی از ایالت‌ها، به تعمیق گسست و شکاف میان دول فدرال و دولت‌های ایالتی نیز منتهی گردیده است. به عنوان مثال، ترامپ فرمان ضدمهاجرتی هفت کشور را به ایالات متحده صادر نمود؛ اما چند قاضی با صدور احکامی سیاست وی را لغو کردند؛ بنابراین، جنگ قدرت میان ترامپ و بسیاری از مسئولین فدرال را می‌توان به تعمیق شکاف‌های سیاسی مرتبط دانست (شووالتر، ۱۳۹۷: ۶۱-۶۲).

۳-۳-۴. ترامپ و تعمیق شکاف‌ها در توزیع منابع: شکاف‌های درآمدی و توزیع منابع از دیگر نقاط آسیب‌پذیر آمریکا به شمار می‌آید. در سال‌های اخیر، به‌ویژه در خلال سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۹ شکاف میان مرفهین و طیف فقیر شهروندان به شدت تعمیق یافته است به نحوی که تنها ۴۰۰ نفر در ایالات متحده معادل ۶۰ درصد جمعیت این کشور ثروت دارند. اما افراد فقیر در جامعه آمریکا بیش از ۴۵ میلیون نفر برآورد شده که این به جز ۲۰ میلیون نفری است که فاقد بیمه‌های درمانی و پزشکی هستند (ساتن، رستریو و مارتینز، ۱۳۹۹: ۱۱-۱۲)، در جدول (۱) مشخص می‌شود که میزان درآمد سالانه و درصد این افراد در جامعه آمریکا تا چه میزان است.

جدول (۱) میزان درآمد در میان طبقه های مختلف آمریکایی

طبقه	درصد	جایگاه اجتماعی	درآمد سالیانه به دلار
سرمایه دار	۱	مدیران سطح بالا، مشاهیر، سیاستمداران، دانشمندان، مزرعه داران و مالکان صنایع بزرگ	بالای بیش از ۵۰۰ هزار دلار
متوسط رو به بالا	۱۵	فارغ التحصیلان حرفه‌ای، مدیران میانی	بالای ۱۰۰ هزار دلار
متوسط رو به پائین	۳۰	نیروهای نیمه متخصص، مدیران شرکتهای کوچک، محصلان دانشگاهی شاغل، صنعتگران	بین ۳۵ تا ۷۵ هزار دلار
طبقه کارگر	۳۰	کارگران صنایع کوچک، آموزش در حد متوسط، کارگران یقه آبی	بین ۱۵ تا ۳۰ هزار دلار
طبقه کارگر فقیر	۲۴	کارگران خدماتی، مهاجران فقیر، افراد بیار، خانه به دوش ها	کمتر از ۱۵ هزار دلار

منبع: Wilson, 2019

تفاوتها در میزان ثروت و توزیع منابع در ایالات متحده بسیار ملموس تر از جدول فوق است. در حال حاضر، تنها یک درصد از شهروندان آمریکا که در بالاترین طبقه (مطابق جدول فوق) قرار دارند صاحبان بیش از ۵۵ درصد سهام مالی بنیادها و بورسهای آمریکا هستند. این در حالی است که بیش از پنجاه درصد جمعیت این کشور کمتر از ۵ درصد سهامها را در اختیار خود دارند. درخصوص میزان بدهی نیز بایستی یادآور شویم که بیش از ۸۰ درصد از بدهیهای شخصی در آمریکا را ۹۰ درصد طبقه پائین این کشور پرداخت می کنند حال آنکه یک درصد مرفه، تنها ۵ درصد بدهیها را بر دوش می کشند (شیلر، ۱۳۹۸: ۱۹-۲۰) در پایان سال ۲۰۱۹ میلادی، بیش از ۲۲ درصد به طبقه فقیر جامعه آمریکا اضافه شده است و بدتر آنکه افرادی که زیر خط فقر قرار گرفتند به ۱۶ درصد رسیده اند. این مسئله، زمانی رنگ و بوی بحران به خود می گیرد که ۲۶ درصد کودکان آمریکایی نیز زیر خط فقر قرار دارند. در ابتدای ماه فوریه ۲۰۲۰، ریبیش از ۷۰۰ هزار خانوار آمریکایی به سبب توزیع نامتوازن داراییها و ثروت، به ورشکستگی اقتصادی رسیدند و تعداد بی خانمانها نیز به رقم ۸۰۰ هزار نفر رسیده است.

مجموع شکافهایی که در فوق بدان اشاره شد، از ابتدای زمان ریاست جمهوری ترامپ بوده است. کنون که جامعه ایالات متحده درگیر پاندمی کرونا شده، این بحرانها و شکافها تشدید یافته است که بخش انتهایی مقاله کنونی به تجزیه و تحلیل بحران کرونا و ویروس در ایالات متحده، سیاستها و مدیریتهای ترامپ در این رابطه و تشدید شکاف دولت -ملت در ایالات متحده اختصاص خواهد یافت.

۲-۴. معرفی مختصر ویروس کرونا کووید-۱۹

کروناویروس شاخه مهمی از خانواده ویروسها و زیر مجموعه کروناویروسها به شمار می روند که نخستین بار در دهه ۱۹۶۰ میلادی کشف شدند و آخرین نمونه آن کرونا ویروس سندرم حاد

تنفسی است که در سال ۲۰۱۹ در ووهان چین شیوع یافت (کارول، فرهود و دیکنده، ۱۳۹۹: ۳۳۱) این دسته از خانواده ویروس‌ها ذیل چهار زیرشاخهٔ اصلی آلفاکروناویروس، بتاکروناویروس، دلتاکرونا ویروس، گاما کروناویروس قرار می‌گیرند و تاکنون بیش از چهل گونه از کرونا ویروس‌ها کشف شده است که از این تعداد هفت نوع از کروناها به انسان منتقل شده‌اند و بیماری‌های خطرناکی همچون سارس، مرس و کووید ۱۹ را ایجاد کرده‌اند) چوکوانیون و رید، ۱۳۳۹: ۲ منشأ اولیه کرونا ویروس‌ها حیوانات بوده‌اند. به عنوان مثال، عامل شیوع ویروس سارس خفاش‌ها و گربه‌ها بوده‌اند که در ادامه به انسان‌ها نیز سرایت کردند. ویروس مرگبار مرس نیز که در خلال سال‌های ۲۰۱۳ الی ۲۰۱۴ در خاورمیانه بسترساز مرگ حدوداً ۱۰۰۰ نفر شده بود از شتر به انسان سرایت نمود (نامن، ۱۳۹۸: ۶) در خصوص کووید ۱۹- هنوز مشخص نیست که نخستین بار این ویروس آیا از طریق جانوران به انسان منتقل شده است یا از راه انتقال سطوح آلوده به ویروس بوده است. هر چند گمانه‌زنی‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد عامل انتقال ویروس کووید ۱۹- پانگولین بوده است. در نهایت در خصوص علائم این بیماری می‌توان گفت که از سرماخوردگی ساده تا تب و لرز، تنگی تنفس را شامل می‌گردد. البته کرونا ویروس‌ها بر خلاف ویروس سارس تنها ارگان‌های تنفسی را با تهدید مواجه نمی‌کنند بلکه اندام‌های حیاتی دیگری همچون کلیه‌ها و کبد را نیز تحت تأثیرات سوء خود قرار می‌دهند (ندیم، ۱۳۹۹: ۹) در حال حاضر بیش از ۶,۱۰۰,۰۰۰ نفر در جهان مبتلا به کرونا بوده و بیش از ۳۶۲,۱۰۰ نفر کشته شده‌اند. در جدول (۲) آمار بیشترین مبتلایان این بیماری تا ۹ خرداد ۱۳۹۹ را مشاهده خواهیم کرد.

جدول (۲) کشورهای مبتلا به ویروس کرونا تا ۱۳ فوریه ۲۰۲۱ (۲۴ بهمن ۱۳۹۹)

کشور	کل مبتلایان	فوت شده‌ها	بهبود یافتگان
آمریکا	۲۸,۱۰۶,۷۰۴	۴۹۲,۵۲۱	۱۸,۰۴۰,۳۱۲
هند	۱۰,۸۹۲,۵۵۰	۱۵۵,۵۸۸	۱۰,۵۹۸,۷۰۹
برزیل	۹,۷۶۵,۶۹۴	۲۳۷,۶۰۱	۸,۶۷۸,۳۲۷
روسیه	۴,۰۴۲,۸۳۷	۷۹,۱۹۴	۳,۵۵۹,۱۴۲
انگلستان	۴,۰۱۳,۷۹۹	۱۱۶,۲۸۷	۲,۰۹۴,۰۰۷
فرانسه	۳,۴۲۷,۳۸۶	۸۱,۴۴۸	۲۳۸,۷۶۵۳
اسپانیا	۳,۰۵۶,۰۳۵	۶۴,۷۴۷	۲,۱۰۷,۳۸۴
ایتالیا	۲,۶۹۷,۲۹۶	۹۳,۰۴۵	۲,۲۰۲,۰۷۷
ترکیه	۲,۵۷۲,۱۹۰	۲۷,۲۸۴	۲,۴۶۱,۲۰۴
آلمان	۲,۳۳۰,۴۲۲	۶۵,۰۳۶	۲,۱۰۱,۰۰۰

منبع: worldometers, 2021:

۸. یافته‌های تحقیق

سیاست‌های دونالد ترامپ در دوران شیوع کرونا و تشدید چالش‌های دولت-ملت:

۱. تعمیق شکاف‌های ترامپ با دولت پیشین ایالات متحده: یعنی باراک اوباما:

پس از فراگیر شدن بحران ویروس کرونا در جامعه آمریکا، ترامپ یکی از رویکردهای خود در عدم کنترل کرونا را متوجه دولت پیشین؛ یعنی باراک اوباما نمود. در این راستا، ترامپ با تمسخر و تحقیر دولت پیشین آمریکا در مسائل بهداشتی، مفهوم «آزمایش‌های شکسته» را علیه باراک اوباما مطرح نمود و مسئول بخش مهمی از بحران کنونی کرونا را اوباما دانست. وی در اثبات این اتهام بزرگ سندی ارائه نکرد و تنها با ارائه اتهام به دولت اوباما وی را مقصر شیوع کرونا در آمریکا قلمداد کرد. ترامپ در ادامه با قیاس مدیریت خود در قبال کرونا و مدیریت اوباما در دوران شیوع آنفلوآنزای خوک، خود را تبرئه نمود. این در حالی است که در دوران اوباما کلاً ۱۲ هزار و ۴۶۹ کشته شدند اما تا کنون بیش از ۱۰۳ هزار نفر در دوران ریاست جمهوری ترامپ در آمریکا بر اثر کرونا کشته شدند. حتی پیشتر در ادعایی بزرگ، ترامپ مدعی شد که بر اساس اقدامات بسیار خوب دولتش، در بدترین حالت به ۶۰ هزار نفر نخواهد رسید؛ ولی همانگونه که تحلیلگران اظهار داشت‌هاند این مرگ و میر ممکن است تا ۲۰۰ هزار نفر هم افزایش یابد (ویلکی و مانگان، ۱۳۹۹: ۳) اوج بی اساس بودن ادعای ترامپ علیه دولت اوباما را می‌توان رویکردهای ضد اوبامایی ترامپ در الغای لوائح مبتنی بر پزشکی و بهداشتی در نظام آمریکا دانست. در ذیل به برخی از مهمترین اقدامات ترامپ در این رابطه اشاره خواهد شد:

الف الغای لوائح بهداشتی مصوب در زمان اوباما: لایحه حفاظت از بیمار و مراقبت مقرون

به صرفه مشهور به لایحه مراقبت مقرون به صرفه یا اوباماکر، از قوانین فدرال ایالات متحده است که در کنار Health Care and Education Reconciliation Act مهم‌ترین مقررات پیاده شده در خصوص نظام بهداشتی آمریکا از زمان تصویب مدیکر و مدیکید در ۱۹۶۵ است. مقصود از این لایحه افزودن بر کیفیت و مقرون به صرفه بودن بیمه سلامت، کاستن از نرخ بیمه نبودن از طریق توسعه پوشش بیمه و کاستن از هزینه‌های مراقبت سلامت بود. این لایحه سازوکارهایی نظیر الزامات، یارانه‌ها و تبادلات بیمه را به وجود آورد. این قانون بیمه کنندگان را مجبور می‌کند همه متقاضیان را بپذیرند، فهرست مشخصی از شرایط را بپذیرند و بی‌توجه به شرایط از پیش موجود یا جنسیت، نرخ‌های مشابهی را مطالبه کنند. اداره بودجه کنگره در سال ۲۰۱۱ پیش‌بینی کرد این لایحه کسری بودجه‌های آتی و هزینه کرد مدیکر را کاهش خواهد داد. لغو طرح ملی خدمات درمانی اوباما موسوم به "اوباماکر" یکی از شعارهای انتخاباتی اصلی

ترامپ بوده است. وعده‌ای که حتی در میان برخی از هم‌حزبی‌های رادیکال ترامپ در جمهوری خواهان با اعتراضاتی جدی مواجه گردید؛ چرا که طیفهای بسیاری در آمریکا با این طرح به لحاظ به سطوح بالایی از بهداشت می‌رسیدند به نحوی که تا ۴۰۰ هزار کودک بیمه خود را از دست دادند.

ب. دومین اقدام ضعیف ترامپ در حوزه بهداشت جامعه آمریکا افزایش بی‌سابقه افرادی است که در آمریکا فاقد بیمه بهداشتی شده‌اند. این رقم تا پیش از ورود ترامپ به کاخ سفید در حدود ۱۰ درصد بوده ولی در حال حاضر این رقم به حدود ۱۴ درصد تا ابتدای سال ۲۰۲۰ رسیده است؛ به دیگر سخن، از زمان آغاز ریاست جمهوری ترامپ در ایالات متحده بیش از هفت میلیون آمریکایی، بیمه درمانی خود را از دست دادند. به همین سبب برنی سندرز و برخی دیگر از اعضای کنگره همچون کامالا هاریس نیز ترامپ را متهم به دروغ‌گویی، خرابکاری و بازی با بهداشت و سلامت مردم آمریکا متهم کردند؛

ج. از دیگر اقدامات ترامپ در حوزه‌های بهداشتی آمریکا، تعطیلی برنامه «پردیکت» است که در راستای مبارزه و مقابله با بیماری‌های ویروسی به‌ویژه آنفلوآنزای مرغی بود. اقدامات ضد بهداشتی ترامپ در جامعه آمریکا، تنها به موارد فوق خلاصه نمی‌شود. ترامپ همچنین دستور کاهش ۲۵۰۰ نفری پرسنل بهداشتی و درمان فدرال را صادر نمود. وی در سال ۲۰۱۷ دستور کاهش چشمگیر بودجه مراکز کنترل بیماری‌ها و مؤسسات ملی بهداشت که جزء بخش‌های حساس و مهم فدرال در بخش اورژانس‌های بهداشت عمومی است را صادر نمود. از جمله اقدامات بحث‌برانگیز ترامپ، کاهش ۸۳۸ میلیون دلاری بودجه مؤسسه ملی آلرژی و بیماری‌های عفونی است. به همین سبب، چنین سیاست‌هایی از سوی ترامپ بستر ساز بحران و کاهش کارآمدی فاحش و اداره منابع بهداشت و خدمات شده است و بازخورد آن ضعف مفرط در مبارزه ملی آمریکا با کرونا بوده است (پارک و بوشی، ۱۳۹۹: ۸-۱۱).

۲. تعمیق گسست‌ها با دموکرات‌های مجلس آمریکا

دومین شکاف عمیق ترامپ پس از شیوع و فراگیری کرونا ویروس در ایالات متحده تعمیق شکاف‌های سیاسی وی و دموکرات‌ها بوده است. بر این اساس می‌توان به درستی اذعان داشت که عملکرد ضعیف ترامپ در حوزه بهداشت جامعه آمریکا، موجب افزایش بی‌سابقه افرادی شد که فاقد بیمه بهداشتی بودند. چنانکه این رقم تا پیش از ورود ترامپ به کاخ سفید در حدود ۱۰ درصد بوده؛ ولی در حال حاضر این رقم به حدود ۱۴ درصد تا ابتدای سال ۲۰۲۰ رسیده است؛ ولی این رقم در ابتدای سال ۲۰۲۰ به حدود ۱۴ درصد رسید. به دیگر سخن، از زمان آغاز ریاست جمهوری ترامپ در ایالات متحده بیش از هفت میلیون آمریکایی، بیمه درمانی خود را از

دست داده‌اند. به همین سبب، برنی سندرز و برخی دیگر از اعضای کنگره همچون کامالا هاریس نیز ترامپ را به دروغ‌گویی، خرابکاری و بازی با بهداشت و سلامت مردم آمریکا متهم کردند (هلمان، ۱۳۹۹: ۳)، اقدامات ضد بهداشتی ترامپ در جامعه آمریکا تنها به موارد فوق خلاصه نمی‌گردد.

۳. تشدید چالش‌های ترامپ با فرمانداران ایالت‌های مهم آمریکا

سومین شکاف اجتماعی وسیع ناشی از پاندمی کرونا و ویروس در ایالات متحده را بایستی در تشدید چالش‌های ترامپ با فرمانداران ایالت‌های مختلف آمریکا دانست. شروع چالش‌ها بر سر این مسئله بود که ترامپ اعلام کرد تنها وی و تیم دولتی‌اش صلاحیت تصمیم‌گیری در اعلام زمان پایان قرنطینه‌ها را دارند. این مسئله با واکنش شدید فرمانداران ایالت‌های مختلف مواجه گردید. از یک سو، فرمانداران با اعلام ناراضی‌های وسیع از عملکرد ترامپ در خصوص مسائل بهداشتی و تخصیص امکانات پزشکی و پرسنل درمانی در ایالت‌های مختلف و از سویی دیگر با غیرموجه خواندن این ادعا که تنها ترامپ، شخصیت نتیجه‌گیری در مورد زمان پایان بحران را دارد، به مواضع او به شدت حمله‌ور شدند. در این میان، فرمانداران بسیاری از ایالت‌ها با اعلام این مسئله که تصمیمی برای آغاز مجدد فعالیت‌های اقتصادی در ایالت‌های خود با توجه به شیوع بیش از پیش کرونا ندارند و تنها با در نظر گرفتن مصالح ایالت خود مبادرت به پایان زمان اعلام بحران خواهند داشت، ترامپ را به حاشیه راندند. چنین اعتراضاتی تنها از سوی فرمانداران ایالت‌های دموکرات صورت نپذیرفت، بلکه موجی از اعتراضات از سوی فرمانداران ایالت‌های جمهوری‌خواه نیز به سمت ترامپ سرازیر شد (رستون، ۱۳۹۹: ۳-۴) اوج شکاف فرمانداران با ترامپ زمانی بوده است که جی پریترکر، فرماندار ایالت ایلینوی مبادرت به خرید تجهیزات پزشکی؛ همچون ماسک از جمهوری خلق چین نمود. وی به سبب کمبود بسیار تجهیزات پزشکی در ایالت ایلینوی ۱۷۴ میلیون دلار را به این امر اختصاص داد؛ آن هم در زمانی که ترامپ به شدت با چین به سبب شیوع کرونا در جهان با چالش مواجه گردیده بود، همین امر می‌تواند عمق شکاف‌های میان ترامپ و فرمانداران ایالت‌های آمریکا را نشان دهد (مین، ۱۳۹۹: ۲) در جدول (۳) فرمانداران متعرض به سیاست‌های ترامپ به صورت خلاصه تنظیم شده است.

جدول (۳) فرمانداران ایالت‌های مختلف آمریکا که متعرض به سیاست‌های ترامپ در خصوص کرونا و ویروس بوده‌اند

ردیف	فرماندار	ایالت	حزب
۱	اندرو کومو	نیویورک	دموکرات‌ها
۲	فیل مورفی	نیوجرسی	دموکرات‌ها
۳	چارلی بیکر	ماساچوست	جمهوری خواهان

۴	گرچن ویتمر	میشیگان	دموکرات‌ها
۵	گوین نیوسام	کالیفرنیا	دموکرات‌ها
6	تام وولف	پنسیلوانیا	دموکرات‌ها
7	جی پریترکر	ایلینوی	دموکرات‌ها
8	ران دسانتیس	فلوریدا	جمهوری خواهان
9	جان بل ادواردز	لوئیزیانا	دموکرات‌ها
10	کرگ ابوت	تگزاس	جمهوری خواهان
11	برایان کمپ	جورجیا	جمهوری خواهان
12	ند لامونت	کانیتیکت	دموکرات‌ها
13	جی اینسیل	واشنگتن	دموکرات‌ها
14	لاری هوگان	مریلند	جمهوری خواهان
15	اریک هولوکب	ایندیانا	جمهوری خواهان
16	جارد پولیس	کلرادو	دموکرات‌ها
17	دی وین	اوهاو	جمهوری خواهان
18	رالف نورثام	ویرجینیا	دموکرات‌ها

منبع: Pell et.al, 2020

۴. تشدید شکاف‌ها با طیف‌های وسیع آمریکایی که بیمهٔ درمانی، بیکاری و اشتغال خود

را از دست دادند

چهارمین شکاف صورت گرفته پس از شیوع ویروس کرونا در ایالات متحده میان ترامپ و طیف وسیعی از شهروندان این کشور بوده است که به دلایل افول اقتصادی، بیمه‌های درمانی و اشتغال خود را از دست دادند. تا ابتدای فوریه ۲۰۲۰ میلادی، بر خلاف ادعاهای ترامپ در مبارزات انتخاباتی مبتنی بر توسعهٔ اشتغال و رفع بیکاری و تحقق آمریکای بزرگ، بایستی خاطر نشان کرد که ترامپ حتی پس از بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ دولت اواما، نیز نتوانست در بخش اشتغال به توسعه دست یابد. به دیگر سخن، میزان اشتغال کنونی در ایالات متحده، از میزان اشتغال در دورهٔ پس از بحران سال ۲۰۰۸ نیز کمتر است.

به طوری که هم اکنون میزان بیکاران در ایالات متحده در ۵۰ سال اخیر نیز بی‌سابقه بوده است. دولت ترامپ در رشد تولید ناخالص ملی نیز بسیار کمتر از وعده‌های داده شده اقدام نمود به طوری که تنها در سال ۲۰۱۹ رشد تولید ناخالص داخلی ایالات متحده تنها ۲٫۱ درصد بوده است. در حالی که ترامپ پیشتر قاطعانه از رشد ۶ درصدی تولید ناخالص ملی داده بود. جالب آنکه این رشد ۲٫۱ درصدی از میزان رشد تولید ناخالصی در دولت باراک اواما که در حدود ۲٫۴ درصد بوده است نیز کمتر است (موتیکانی، ۱۳۹۹).

در این میان، بحران کرونا ویروس منجر به ظهور بحران بزرگی گردیده است که بر اساس آن بین ۲۵ تا ۴۳ میلیون شهروند ایالات متحده با بحرانی به نام از دست دادن بیمهٔ سلامت خود مواجه می‌باشند. در حالیکه تا پیش از شیوع کرونا تعداد ۸۷ میلیون نفر در آمریکا فاقد بیمه

درمانی بوده یا از امکانات اندکی در این رابطه برخوردار بودند. از طرفی، بحران کرونا در ماه آوریل ۲۰۲۰ نرخ بیکاری در ایالات متحده را به رقم شگفت انگیز ۱۵ درصد رسانده است که تنها پس از فراگیر شدن کرونا ۲۶ میلیون نفر به تعداد بیکاران در این کشور اضافه گردید (وولهندلر و هیملشتاین، ۱۳۹۹: ۴۶۹-۴۵۱)، از طرفی رابرت رایش، وزیر کار دولت بیل کلینتون، در تحلیلی وضعیت اشتغال طبقه‌های متوسط و رو به پایین در ایالات متحده را به چهار دسته تفکیک نموده است.

۴-۱. نیروهای نیمه متخصص دورکار: این افراد کارکنان نیمه حرفه‌ای هستند که با توجه به تخصص خود، می‌توانند برای شرکت‌ها، دستگاه‌ها، نهادها و کارتل‌های مختلف فعالیت کنند. این افراد هرچند استخدام رسمی نیستند؛ اما تخصص نسبی آنان، همواره منبع درآمد مناسبی برایشان ایجاد میکند. این طیف افراد با شیوع ویروس کرونا پیش‌بینی می‌شود تا ۵۰ درصد اشتغال نیمه‌وقت و پاره وقت خود را از دست بدهند.

۴-۲. نیروهای آزاد غیردولتی: این طیف از نیروهای کار در ایالات متحده، بیشتر شامل مراقبت‌کنندگان خانگی، کارگران مزرعه، کارکنان کارخانه‌های تولید مواد غذایی، راننده‌های تاکسی و کامیونت، انبارداران، نگهبانان، کارمندان داروخانه‌ها و امثال آن می‌باشند. این طیف از کارگران آمریکایی فاقد هرگونه بیمه‌های درمانی و پزشکی می‌باشند. به سبب ماهیت سنگین و شغلی این دسته از افراد، اصولاً بایستی تحت اختیار قانونی ترامپ برای حمایت از کارکنان ضروری قرار بگیرند؛ لکن از زمان آغاز ریاست جمهوری ترامپ هیچگاه این اتفاق نیفتاده است و اکنون نیز در اوج شیوع کرونا ویروس نیز این اتفاق به وقوع نپیوسته است.

۴-۳. نیروهای کارگری یقه آبی: طیف این دسته از نیروهای کار در ایالات متحده در حدود ۲۵ درصد می‌باشد. با شیوع کرونا و حتی پیش از آن، بزرگترین معضل این طیف، حقوق معوقه و پرداخت نشده‌ی آنان بوده است. پیش‌بینی می‌شود با تشدید ویروس کرونا این گروه تا ۳۵ درصد نیز افزایش یابند؛ بیش از ۵۰ درصد از نیروهای کارگری یقه آبی در حال حاضر معتقدند که نهایتاً تا سه ماه آینده بتوانند حداقل نیازهای خود را تأمین کنند و دولت ترامپ نیز نه تنها در تهیه لوازم و تجهیزات پزشکی حتی در تهیه مواد غذایی نیز به آنان کمکی نکرده است.

۴-۴. بی‌خانمان‌ها: این دسته از شهروندان آمریکایی که به لحاظ تعداد کم هم نیستند، تقریباً در هیچ عرصه اجتماعی حضور ندارند، اما مسئله مهم در خصوص این دسته افراد آن است که عموماً محل زندگی آنان مکان‌های نامشخصی همچون زیر پل‌ها، متروها، خیابان‌ها و فضاهایی اینچنینی است به همین سبب، این دسته افراد بیشترین درصد خطر ابتلا به کرونا ویروس را دارند که در ادامه می‌توانند به مثابه عاملین انتقال این ویروس به دیگر شهروندان تلقی گردند (ریچ، ۱۳۹۹: ۱-۳).

۵. بحث و نتیجه‌گیری

با ظهور ویروس کرونا و پاندمی آن، سیاستگذاری بسیاری از کشورهای جهان، به سمت و سوی قرنطینگی، ائتلاف با دیگر کشورها و حمایت از طبقه‌های محروم برای عدم فراگیری بیشتر این ویروس بوده است. در این میان، سیاست‌های دونالد ترامپ، کارگشای پاندمی کرونا در ایالات متحده نبوده است. قرار گرفتن آمریکا در صدر بیشترین مبتلایان و قربانیان این ویروس مدلول این فرضیه است. به دیگر سخن، سیاست‌های ترامپ پیشتر نشان دهندهٔ این مسئله بوده که وی اصولاً اعتقادی به همکاری با سازمان‌های بین‌المللی نداشته و از چندین سازمان بین‌المللی نیز خارج شده است. در اوج فراگیری ویروس کرونا به جای تمرکز بر منابع داخلی، تجهیز بیش از پیش تجهیزات پزشکی و بهداشتی و حمایت از طیف‌ها و طبقه‌های اجتماعی مختلف و اتخاذ یک سیاست هدفمند بازدارندگی، برای کنترل این ویروس، به تعمیق بحران‌ها با چین پرداخت. وی در ادامه با وارد کردن اتهامات وسیع به سازمان جهانی بهداشت، این سازمان را به همکاری با چین متهم نمود و در ادامه با قطع حمایت‌های اقتصادی از این نهاد، رسماً اعلام خروج ایالات متحده را از سازمان بهداشت جهانی نمود. این مسئله از اصل بحران در ایالات متحده نه تنها کاهش نداد، بلکه به تعمیق شکاف‌ها و تشدید چالش‌های ترامپ با طیف‌های مختلف در ایالات متحده منتهی گردید. به همین سبب سؤال اصلی مقاله حاضر بررسی این موضوع بود که چگونه سیاست‌های پراگماتیستی ترامپ در اوج فراگیری کرونا ویروس در ایالات متحده به تعمیق شکاف‌های اجتماعی میان دولت وی و طیف‌های مختلف در آمریکا منتهی شد. یافته‌های مقاله نیز در نهایت نشان داد که افزایش بی‌سابقهٔ تعداد قربانیان این ویروس در آمریکا که تقریباً دوبرابر جنگ ویتنام بوده، نشان دهندهٔ ناتوانی ترامپ در کنترل ویروس بوده است. لذا بازخورد این ناتوانی‌ها به تعمیق شکاف‌های ترامپ با دولت پیشین ایالات متحده یعنی باراک اوباما، تعمیق گسست‌ها با دموکرات‌های مجلس آمریکا، تشدید چالش‌های ترامپ با فرمانداران ایالت‌های مهم آمریکا، تشدید تنش‌ها با طیف‌های کارگر و متوسط و در نهایت ظهور چالش‌های امنیتی گردید. در پایان لازم به یادآوری است که یافته‌های این مطالعه با یافته‌های تحقیقات روزفیلد و کوئین میلز (۲۰۱۶) در یک راستا قرار دارد. از طرفی، یافته‌های مقاله حاضر با یافته‌های مقاله جک تامپسون (۲۰۱۷) همخوانی دارد؛ چنانکه وی معتقد بود توجهات کلان ترامپ به تحقق نظم نوین مطلوب جهانی، بسترساز عدم توجهات لازم ترامپ به مقولهٔ طبقه‌های سیاسی فعال و نیمه فعال در آمریکا گردید به نحوی که امروز بسیاری از جمهوری خواهان نیز به سیاست‌های ترامپ اعتراض نموده‌اند. گسترش فقر و بیکاری نیز در این رابطه پیامدهای مهم درونی در نظام ایالات متحده بوده است، را تأیید می‌کند. همچنین بایستی خاطرنشان کرد که

یافته‌های این مقاله، نتایج حاصل از تحقیقات سانتینو (۲۰۱۹) که با رهیافتی انتقادی به سیاست‌های نادرست ترامپ در توزیع ثروت در آمریکا اشاره نموده و اذعان می‌کند. رویکردهای ترامپ در عمل منتهی به تشدید نابرابری‌ها در ایالات متحده گردیده است را تأیید کرده و با یافته‌های این تحقیق که اذعان می‌کرد هیچانات کاذب، دروغ، فریب و خودخواهی مهمترین عوامل خطرناک موجود در سیاست‌های پراگماتیستی ترامپ هستند در یک راستا قرار دارد. در نهایت بایستی خاطرنشان نمود که یافته‌های این مقاله، نتایج تحقیقات مایکل ولف (۲۰۱۸) که بحران‌ها و چالش‌های مکرر ترامپ را در جامعه آمریکا به تصویر کشیده بود، در زمینه‌های اقتصادی، اشتغال و پزشکی تصدیق می‌کند.

منابع

- ساعی، علی و مهدوی، جعفر (۱۳۹۳). "تحلیل فرایند دموکراتیک سازی در افغانستان (۲۰۰۸-۱۹۰۷م)", فصلنامه جامعه شناسی تاریخی، دوره ششم، شماره، ۱: ۱-۴۳.
- سردار نیا، خلیل الله و حسینی، سید مهدی (۱۳۹۳). "چالش‌های اجتماعی دولت سازی مدرن در افغانستان"، فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، شماره، ۳: ۳۷-۶۳.
- سمیعی اصفهانی، علیرضا؛ کیانی، امران و محمدی، علی (۱۳۹۶). "رویکردی جامعه‌شناختی به جنبش اجتماعی سیاهان در امریکا، تحلیل ریشه‌ها، روندها و پیامدها"، فصلنامه جامعه شناسی کاربردی، دوره بیست و هشتم، شماره ۲: ۱۲۹-۱۴۶.
- شفیعی، علیرضا (۱۳۸۸). "شکاف اجتماعی و انحطاط در جامعه آمریکا"، تهران: انتشارات اعتدال.
- عالیشاهی، عبدالرضا و مسعودنیا، حسین (۱۳۹۷). "کودتای ۱۵ جولای ۲۰۱۶ ترکیه بر اساس نظریهٔ شکاف‌های اجتماعی"، فصلنامه دولت پژوهی، سال چهارم، شماره ۱۶: ۱۷۵-۲۱۰.
- عالیشاهی، عبدالرضا؛ فروزان، یونس و مسعودنیا، حسین (۱۳۹۸). "ویژگی‌های پان شیعیسم جریان صدر در عراق پس‌اداعش"، پژوهشنامه ایرانی سیاست بین الملل، سال هفتم، شماره، ۲: ۱۹۳-۲۱۶.
- فروزان، یونس و عالیشاهی، عبدالرضا (۱۳۹۸). "برساخت گرایبی سیاسی در روابط عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران از پس‌بیداری اسلامی تا پس‌برجام"، فصلنامه آفاق امنیت، سال دوازدهم، شماره ۴۳: ۱۳۹-۱۶۵.
- فروزان، یونس، عالیشاهی، عبدالرضا و محمددوست، علی (۱۳۹۶). "تبیین دلایل واگرایی در روابط قطر و عربستان سعودی"، فصلنامه امنیت پژوهی، سال شانزدهم، شماره ۵۹: ۵-۲۸.
- Andersen, L, and Collins, P, (2012), "Race, Class, and Gender: An Anthology", Belmont, CA: Wadsworth Cengage Learning.
- Attanasio, O, and Pistaferrri, L, (2016), "Consumption Inequality", Journal of Economic Perspectives, 30(2), 3-28.
- Badiou, Alain, (2017). "Trump", Chicago: Polity Press.
- Campbell, John, (2018), "American Discontent: The Rise of Donald Trump and Decline of the Golden Age, Oxford": Oxford University Press.
- Carol, Yan; Faraji Farhoud, DeConde, Adams, (2020), "Reply to "Self-reported olfactory loss in COVID-19: is it really a favorable prognostic factor?", International Forum of Allergy & Rhinology, 34(3): 330-337.

- Chaudry, Ajay; Wimer, Christopher and Macartney, Suzanne, (2016), "Poverty in the United States: 50-Year trends and safety net impacts", Washington D.C: U.S. Department of Health and Human Services.
- Chowkwanyun, Merlin and Reed, Adolph, (2020), "Racial Health Disparities and Covid-19- Caution and Context", London: The New England Journal of Medicine.
- Cohen, Elizabeth and Bonifield, John, (2020), "Trump falsely claimed that Obama administration slowed down diagnostic testing", CNN, 6 March 2020.
- Craemer, Thomas, (2018), "Estimating Slavery Reparations: Present Value Comparisons of Historical Multigenerational Reparations Policies", *Journal of Social Science Quarterly*, 96 (2): 639–655
- Davis, J., Wetherell, G., and Henry, P, (2018), "Social devaluation of African Americans and race-related conspiracy theories", *European Journal of Social Psychology*, 48(6): 999-1010.
- Fukuyama, Francis, (2018), "Identity: The Demand for Dignity and the Politics of Resentment", New York: Farrar, Straus and Giroux.
- Greene, J, (2019), "Confronting Immigration Enforcement under Trump: A Reign of Terror for Immigrant Communities", *Journal of Social Justice*, 45(2): 83-99.
- Hellmann, Jessie, (2020), "Insurance figures give Democrats new line of attack against Trump", *The Hill*, 6 May 2020.
- Jackson, James and et.al, (2020), "Global Economic Effects of COVID-19, Washington D.C": Congressional Research Center.
- Kuhn, M and Rios-Rull, J, (2016), "2013 Update on the US Earnings, Income, and Wealth Distributional Facts: A View from Macroeconomics", *Federal Reserve Bank of Minneapolis Quarterly Review*, 37(1):46-61.
- Main, Frank, (2020), "Pritzker arranging secret flights from China to bring millions of masks and gloves to Illinois", *Chicago SunTimes*, 14 April 2020.
- Mutikani, Lucia, (2019), "U.S. economy misses Trump's 3% target in 2018", *Reuters*, 26 July.
- Nadeem, Sad, (2020), "CoronaVirus COVID-19: Available Free Literature Provided by Various Companies", *Journals and Organizations around the World Journal of Ongoing Chemical Research*, 5(1): 7-13.
- Naumann, J, (2019), "A Hypothesis and Evidence That Mercury May be an Etiological Factor in Alzheimer's disease", *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 16(12): 1-15.
- Park, Simon and Boushey, Heather, (2020), "The coronavirus recession and economic inequality: A roadmap to recovery and long-term structural change", Washington D.C: Washington Center for Equitable Worth.

- Pell, Samantha, et.al, (2020), "Georgia, South Carolina and Tennessee governors announce plans to ease coronavirus restrictions", Washingtonpost, 21 April.
- Reich, Robert, (2020), "Covid-19 pandemic shines a light on a new kind of class divide and its inequalities", The Guardian, 10 May.
- Reston, Maeve, (2020), "Governors dispute Trump's claim that there's enough coronavirus testing", CNN, 19 April.
- Shiller, Robert, (2019), "Narrative Economics: How Stories Go Viral and Drive Major Economic Events", NJ: Princeton University Press.
- Showalter, Raven Alexandra, (2018), "The "Trump Effect?" Challenges to the United States Hegemony in Higher Education Cross-Cultural Exchange", Norfolk: Old Dominion University.
- Solomon, Danyelle; Maxwell, Connor and Castro, Abril, (2019), "Systematic Inequality and American Democracy", New York: Center for American Progress.
- Sutton, Trevor; Restrepo, Dan and Martinez, Joel, (2020), "Getting Ahead of the Curve: Why the United States Needs To Plan for the Coronavirus in the Americas", New York: Center for American Progress.
- Wilkie, Christina and Mangan, Dan, (2020), "Trump blames Obama for lack of coronavirus tests: 'I don't take responsibility at all', Cnbc Press, 14 March 2020.
- Wilson, Edward, (2019), Genesis: The Deep Origin of Societies, New York: Liverlight Publishing Corporation.
- Wodtke, Jeffrey, (2016), "Social Class and Income Inequality in the United States: Ownership, Authority, and Personal Income Distribution from 1980 to 2010", American Journal of Sociology, 5 (4): 1-83.
- Woolhandler, Steffie and Himmelstein, David, (2020), "Intersecting U.S. Epidemics: COVID-19 and Lack of Health Insurance", Journal of annals of International Medicine, 18 (12): 646-659.
- Alishahi, A, and Forouzan, Y, and Masoudnia, H, (2019), "The Features of Sadr's Pan-Shiism in the Post-ISIS Iraq", Iranian Research Letter of International Politics, 7(2), 193-216. [In Persian]
- Alishahi, A, and Masoudnia, H, (2018), "Explaining the Reasons for the Coup d'etat of 15 July 2016 in Turkey Based on the Theory of Social Gaps", Quarterly Studies the State, 4(16), 175-210. [In Persian]
- Andersen, L, and Collins, P, (2012), "Race, Class, and Gender: An Anthology", Belmont, CA: Wadsworth Cengage Learning.
- Attanasio, O, and Pistaferri, L, (2016), "Consumption Inequality", Journal of Economic Perspectives, 30(2), 3-28.
- Badiou, Alain, (2017). "Trump", Chicago: Polity Press.
- Campbell, John, (2018), "American Discontent: The Rise of Donald Trump and Decline of the Golden Age, Oxford": Oxford University Press.

- Carol, Yan; Faraji Farhoud, DeConde, Adams, (2020), "Reply to "Self-reported olfactory loss in COVID-19: is it really a favorable prognostic factor"?", *International Forum of Allergy & Rhinology*, 34(3): 330-337.
- Chaudry, Ajay; Wimer, Christopher and Macartney, Suzanne, (2016), "Poverty in the United States: 50-Year Trends and Safety Net Impacts", Washington D.C: U.S. Department of Health and Human Services.
- Chowkwanyun, Merlin and Reed, Adolph, (2020), "Racial Health Disparities and Covid-19- Caution and Context", London: The New England Journal of Medicine.
- Cohen, Elizabeth and Bonifield, John, (2020), "Trump falsely claimed that Obama administration slowed down diagnostic testing", CNN, 6 March 2020.
- Craemer, Thomas, (2018), "Estimating Slavery Reparations: Present Value Comparisons of Historical Multigenerational Reparations Policies", *Journal of Social Science Quarterly*, 96 (2): 639-655,
- Davis, J., Wetherell, G., and Henry, P, (2018), "Social devaluation of African Americans and race-related conspiracy theories", *European Journal of Social Psychology*, 48(6): 999-1010.
- Forouzan, Y, and Alishahi, A, (2019), "Political Constructivism in the Relationship between Saudi Arabia and the Islamic Republic of Iran from Post-Islamic Awakening to Post- JCPOA", *Scientific Journal of Security Horizons*, 12(43), 139-165. [In Persian]
- Forouzan, Y, Alishahi, A, and Mohammaddoust, A, (2017), "Explaining the reasons for divergence in Qatar-Saudi Arabia relations, *Security Research Quarterly*, 16(59), 5-28. [In Persian]
- Fukuyama, Francis, (2018), "Identity: The Demand for Dignity and the Politics of Resentment", New York: Farrar, Straus and Giroux.
- Greene, J, (2019), "Confronting Immigration Enforcement under Trump: A Reign of Terror for Immigrant Communities", *Journal of Social Justice*, 45(2): 83-99.
- Hellmann, Jessie, (2020), "Insurance figures give Democrats new line of attack against Trump", *The Hill*, 6 May 2020.
- Jackson, James and et.al, (2020), "Global Economic Effects of COVID-19, Washington D.C": Congressional Research Center.
- Kuhn, M and Rios-Rull, J, (2016), "2013 Update on the US Earnings, Income, and Wealth Distributional Facts: A View from Macroeconomics", *Federal Reserve Bank of Minneapolis Quarterly Review*, 37(1):46-61.
- Main, Frank, (2020), "Pritzker arranging secret flights from China to bring millions of masks and gloves to Illinois", *Chicago SunTimes*, 14 April 2020.

- Mutikani, Lucia, (2019), "U.S. economy misses Trump's 3% target in 2018", Reuters, 26 July.
- Nadeem, Sad, (2020), "CoronaVirus COVID-19: Available Free Literature Provided by Varoious Companies", Journals and Organizations around the World Journal of Ongoing Chemical Research, 5(1): 7-13.
- Naumann, J, (2019), "A Hypothesis and Evidence That Mercury May be an Etiological Factor in Alzheimer's disease", International Journal of Environmental Research and Public Health, 16(12): 1-15.
- Park, Simon and Boushey, Heather, (2020), "The coronavirus recession and economic inequality: A roadmap to recovery and long-term structural change", Washington D.C: Washington Center for Equitable Worth.
- Pell, Samantha, et.al, (2020), "Georgia, South Carolina and Tennessee governors announce plans to ease coronavirus restrictions", Washingtonpost, 21 April.
- Reich, Robert, (2020), "Covid-19 pandemic shines a light on a new kind of class divide and its inequalities", The Guardian, 10 May.
- Reston, Maeve, (2020), "Governors dispute Trump's claim that there's enough coronavirus testing", CNN, 19 April.
- Saei, A, and Mahdavi, J, (2014), "Analysis of the Democratization Process in Afghanistan (1907-2008)", Quarterly Journal of Historical Sociology, 6(1), 1-43. [In Persian]
- Samiei Esfahani, A, Kiani, E, and Mohammadi, A, (2017), "Sociological approach to the Social movement of Blacks in America (Analysis of Origins, processes and outcomes) ", Journal of Applied Sociology, 28(2), 129-146. [In Persian]
- Sardarnia, Kh, and Hosseini, M, (2014), "Social Challenges of Modern State-Building in Afghanistan", Quarterly Journal of World Politics, 3(3), 37-63. [In Persian]
- Shafiei, A, (2019), "Social gaps and degeneration in American society", Tehran: Etedal Publications. [In Persian]
- Shiller, Robert, (2019), "Narrative Economics: How Stories Go Viral and Drive Major Economic Events", NJ: Princeton University Press.
- Showalter, Raven Alexandra, (2018), "The "Trump Effect?" Challenges to the United States Hegemony in Higher Education Cross-Cultural Exchange", Norfolk: Old Dominion University.
- Solomon, Danyelle; Maxwell, Connor and Castro, Abril, (2019), "Systematic Inequality and American Democracy", New York: Center for American Progress.
- Sutton, Trevor; Restrepo, Dan and Martinez, Joel, (2020), "Getting Ahead of the Curve: Why the United States Needs To Plan for the Coronavirus in the Americas", New York: Center for American Progress.

- Wilkie, Christina and Mangan, Dan, (2020), "Trump blames Obama for lack of coronavirus tests: 'I don't take responsibility at all', Cnbc Press, 14 March 2020.
- Wilson, Edward, (2019), *Genesis: The Deep Origin of Societies*, New York: Liverlight Publishing Corporation.
- Wodtke, Jeffrey, (2016), "Social Class and Income Inequality in the United States: Ownership, Authority, and Personal Income Distribution from 1980 to 2010", *American Journal of Sociology*, 5 (4): 1-83.
- Woolhandler, Steffie and Himmelstein, David, (2020), "Intersecting U.S. Epidemics: COVID-19 and Lack of Health Insurance", *Journal of annals of International Medicine*, 18 (12): 646-659.